

# حضرت فاطمه زهرا (س) و قرآن

سید محمد علی ابازی

## مقدمه

بی گمان سخن گفتن از شخصیت قرآنی حضرت فاطمه (س) که دارای عظمت ویژه و پرورش نمونه بوده، بسیار دشوار است، اما معرفی و موضع حضرت زهرا (س) دختر شایسته رسول خدا از قرآن، دست کم دو جهت مهم را بازگو می کند: یکی بدان جهت که فاطمه (س) مادر یازده امام معصوم شیعه و یکی از افراد اهل بیته است که خداوند اراده پاکیزگی آنها را کرده (حزاب/ ۳۳) و عصمت وی شایستگی او برای معرفی قرآن را آشکار می سازد، و دیگر بدان سبب که نیمی از جامعه ما را زنان تشکیل می دهند و رهنمودهای فاطمه (س) می تواند الگو و نمونه کامل برای زنان مسلمان باشد، زنی که به لحاظ شخصیت، زهد، تقوا، شجاعت، انسانیت و دانش معنوی و توجه او به قرآن کمتر معرفی شده و بایسته است که به جامعه اسلامی شناسانده شود.

از سوی دیگر بنا بر روایت ثقلین که متواتر میان شیعه و سنی است، قرآن و عترت از یکدیگر جدایی ناپذیرند، و اوصاف هر یک از این دو عزیز گرانبها، ما را در جهت معرفی دیگری بهتر آشنا می سازد، از این رو در آغاز به معرفی شخصیت فاطمه (س) از منظر قرآن می پردازیم و سپس سیره و گفتار فاطمه (س) را نسبت به قرآن شرح می دهیم.

## ۱. شخصیت قرآنی فاطمه (س)

از آنجا که توصیف قرآن و منزلت این کتاب آسمانی از زبان فاطمه (س) با جایگاه شخصیت آن حضرت در قرآن رابطه بسیار نزدیکی دارد، به بررسی آیاتی می پردازیم که در حق ایشان نازل شده و یا به گونه ای شخصیت آن حضرت را مورد توجه قرار داده، موقعیت و شأن حضرت را بیان می کند. البته در این بخش تنها به آیات از قرآن بسنده می گردد که نزول آیه درباره ایشان و خاندان پیامبر بوده، و نه آیاتی که بر حضرت تطبیق شده و یا به عنوان یکی از مصادیق آیه در روایات اهل بیت ذکر گردیده است.

سوره کوثر:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ . اِنَّا اعطیناک الکوثر . فصل لربک وانحر . ان شانک هو الابر  
این سوره در مکه نازل شده و در شأن آن گفته اند: زمانی که پیامبر دو تن از فرزندان خود را از دست داد و دشمنان آن حضرت با هدف طعنه و شماتت، ایشان را ابر و بدون فرزند و مقطوع النسل خواندند، سوره کوثر نازل شد.

خداوند در این سوره می گوید: ما به تو کوثر دادیم. کوثر از ریشه کثرت گرفته شد و به چیزی گفته می شود که زمینه بسیار و خیر فراوان دارد. هر چند در تطبیق کوثر و خیر کثیر در قبال آن طعنه ها، فردی معرفی نشده است، اما به قرینه جمله های بعدی که می گوید: دشمن تو ابر خواهد بود، نشان می دهد که کوثر در برابر ابر است، یعنی ما به تو کسی را اعطا کردیم که بر خلاف دشمن تو منشأ خیرات و برکات و فرزندان بسیاری است.

فخر رازی این سوره را از شواهد اعجاز قرآن می داند که خیراز غیب داده<sup>۲</sup> و مطابق آمار امروزه میلیون ها انسان از نسل پیامبر و فرزندان فاطمه زهرابندند. قرآن کریم با وصف زیبایی چون کوثر بر فاطمه زهرا (س) که هم بسیار و هم خیر است عطای او را به پیامبر یادآور می شود و از پیامبر می خواهد که نسبت به چنین نعمتی سپاسگزاری کند، زیرا زهرا (س) منشأ خیر و برکت و بالندگی است.

به همین دلیل مفسرانی به تبعیت فخر رازی در ذکر یکی از احتمالات معنای آیه می نویسند که:

کوثر اولاد پیامبر است (اولادی که از نسل فاطمه اند) و این سوره در پاسخ به شماتت دشمنان آن حضرت نازل شد که می گفتند او فرزندی ندارد، لذا معنای آیه این می شود

که ما به تو کسی دادیم که نسل تو از او در طول زمان باقی می ماند. اینک نگاه کنی که چقدر از فرزندان اهل بیت کشته شده، در حالی که دانشمندان بسیاری از فرزندان آن حضرت جهان را پر کرده اند و از بنی امیه در این دنیا کسی نمانده است.<sup>۳</sup>

### آیه مباحله

یکی دیگر از آیاتی که در توصیف فاطمه زهرا همراه با پیامبر و امام علی (ع) و حسن و حسین (ع) آمده این آیه است: **فمن حاجک فیه من بعد ما جاءک من العلم فقل تعالوا ندع أبناءنا و أبناءکم و نساءنا و نساءکم و انفسنا و انفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنت اللّٰه علی الکاذبین**. (آل عمران، ۶۱/۳)؛ پس هر کس پس از دانشی که به تو رسیده، با تو به ستیز برخیزد، بگو بیایید ما فرزندان خود را و شما نیز فرزندان خود را، و ما زنانمان را و شما نیز زنانتان را، و ما و شما کسانی را که به منزله نفس (و جان) ما می باشند فرا می خوانیم، سپس به درگاه خداوند دعا کنیم و نفرین خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

در روایات اسلامی از طرق گوناگون و در تفسیرهای اهل سنت و شیعه<sup>۴</sup> آمده است که در سال دهم هجری گروهی در حدود ۶۰ تن از علما و رؤسای مسیحی به مدینه آمدند تا موقعیت خود را در برابر اسلام روشن کنند و ضمناً با پیامبر خدا درباره اسلام و مسیحیت گفت و گو نمایند. آنان با پیامبر خدا ملاقات کرده و مباحثات طولانی نموده سپس قانع نشدند. حضرت طبق آیه به فرمان خدا ایشان را دعوت به مباحله کرد تا راستگو از دروغگو جدا گردد. نصاری بدان راضی شدند و زمان و مکان مقرر ساختند. در آن روز پیامبر - بر طبق روایات - با نزدیک ترین و عزیزترین کسان خود، به صحنه مباحله آمدند.

در این آیه شریفه که پیامبر خانواده خود را در معرض مباحله قرار می دهد تعبیرهای بسیار شگفتی می شود! از علی به نفس پیامبر یاد شده، حسن و حسین فرزندان پیامبر به شمار آمده، و از فاطمه به عنوان برترین بانو از وابستگان تعبیر شده است؛ گویی هر چند زنان بسیاری در خانه پیامبر حضور دارند، اما تنها یک شخصیت به نمایندگی از خانه حضرت از جنس اناث در صحنه حاضر است. از جنس ذکور پیامبر و علی و حسن و حسین حضور یافته اند، و این افراد ترکیب ویژه ای را به وجود می آورند، به گونه ای که ترسایان بنی نجران را تحت تأثیر قرار می دهد و از مباحله با حضرت منصرف می شوند و

مهتر ایشان فریاد می کشد و می گوید: ای یاران! از مباحله با اینان بپرهیزید، زیرا اگر این فرد پیامبر نبود و به حقانیت خود اطمینان نداشت خاندان و عزیزان خود را نمی آورد.

علمای بزرگی از اهل سنت چون مسلم و ترمذی و ابن منذر و حاکم و بیهقی همگی نقل کرده اند که چون این آیه نازل شد، پیامبر، علی و فاطمه و حسن و حسین را فرا خواند و فرمود: اینها اهل من هستند. ۵

آری، این که پیامبر گرامی، فاطمه (س) را در این درگیری اجتماعی - اقتصادی به حضور می خواند و او را در چنین مخاطره ای قرار می دهد، نمونه ای بارز و آشکار از شخصیت ممتاز وی، و بیانگر رابطه ویژه میان فاطمه و جریان فکری و فرهنگی رسالت است که قرآن آن را بازگو می کند.

### آیه تطهیر

انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيراً (احزاب، ۳۳/۳۳)؛ همانا خداوند می خواهد از شما خاندان پیامبر، پلیدی را ببرد و شما را به طهارتی کامل و ویژه پاک و مطهر سازد.

طبق گزارش جمعی از صحابه پیامبر و برخی از مفسران اهل سنت و همه مفسران شیعه، آیه تطهیر در شأن اصحاب کساء نازل شده و منظور از اهل بیت، آنان هستند. ۶

نکته مهم این نظریه این است که به گفته همه مفسران و روایاتی که صحابه نقل کرده اند، پیامبر که آگاه ترین مردم در جهت تبیین معانی و اشارات و اهداف قرآن است، تفسیر آیه را بیان کرده و مصداق آن را به صورت انحصاری، مشخص نموده است و جایی برای بیان دیگران باقی نگذاشته، و معنا ندارد که به اقوال و احتمالات دیگر توجهی بشود.

وقتی پیامبر فقط اهل کساء را اهل بیت خود معرفی کرده و عایشه و ام سلمه و ابوسعید خدری و واثله بن اسقع و انس بن مالک از صحابیان پیامبر نقل می کنند که دیده یا شنیده اند که این آیه درباره پنج تن (اصحاب کساء) نازل شده است. اخبار دیگر که به لحاظ واژگانی و یا جنبه های دیگر تطبیق شده بی معناست.

از سوی دیگر روایاتی با تفاوت در مقدار زمان آن از صحابه نقل شده (که شاید کسانی به اندازه مشاهده و حضور خود) در مدت شش تا نوزده ماه دیده اند که پیامبر هر گاه برای نماز بیرون می رفت، به در خانه فاطمه می آمد و می گفت:

الصلاة يا أهل البيت! إنما يريد الله ليذهب عنكم الرجس أهل البيت ويطهركم  
تطهيراً.<sup>۷</sup>

حتی در دسته‌ای از روایات، از یکی از همسران پیامبر - و به احتمال قوی ام سلمه - نقل شده که هنگام نزول آیه تطهیر، از پیامبر درخواست می‌کند که در جمع «اهل بیت» حضور یابد، و پیامبر با تعبیرهای مختلفی که در این روایات نقل شده فرموده‌اند: «انک اِلی الخیر، أنت من أزواج النبی<sup>۸</sup>؛ تو بر خیر هستی، تو از زنان پیامبری، اما جایگاه و مرتبه اهل بیت پیامبر را نداری».<sup>۹</sup>

بدون شک این مرتبه از توصیف، حاکی از اراده پاکی و انتساب ویژه‌ای برای فاطمه زهرا(س) و همسر و فرزندان، و نشانه عظمت و اهمیت آنان است و بزرگترین دلیل بر عصمت فاطمه زهرا(س) از هر گونه گناه و آلودگی است، بلکه می‌توان در مقایسه با زنان دیگری که در قرآن نامشان یاد شده، اعم از دختران، مادران و همسران پیامبر و یا کسانی که در تاریخ بشریت تأثیر گذار بوده، به صراحت گفت که تعبیری این چنین نیامده است. باید افزود اراده خداوند در این آیه، اراده تشریعی نمی‌تواند باشد، یعنی تنها نمی‌خواهد بگوید که باید آنان از هر گونه پلیدی منزّه باشند، زیرا این خواسته اختصاصی به اهل بیت ندارد، بلکه اسلام از همه مسلمانان، از همه انسان‌ها طهارت و پاکی را می‌خواهد، اما خداوند در این آیه با توجه به شأن پیامبر تکویناً اراده فرموده که آنها از هر گونه گناه و آلودگی مبرا باشند.

### آیه اطعام

و يطعمون الطعام علی حبه مسکیناً و یتیماً و اسیراً. (انسان، ۸/۷۶)

این آیه نیز در بیان ایثار فاطمه زهرا(س) و خانواده اوست، چنانکه در تاریخ و تفسیر نقل شده است که در دوران مشکلات و سختی‌های اقتصادی، فاطمه(س) و افراد خانواده تصمیم گرفتند روزه نذری بگیرند. و آن خانواده شرافت و تقوا چون امکاناتی نداشتند نمی‌توانستند متناسب با ایام روزه‌داری غذایی فراهم کنند، از این رو فاطمه(س) تنها توانست پنج قرص نان جو فراهم کند. در پایان روز به هنگام افطار صدایی از پشت در شنیدند که درخواست کمک می‌کرد، در اینجا امیرمؤمنان نان خود را برداشت و به سائل داد. مرتبه دوم یتیمی در خانه آمد، در این هنگام فاطمه نان خود را داد. در مرتبه سوم اسیری آمد که همین درخواست را داشت و فرزندان حضرت نان خود را به اسیر دادند. این هنگام جبرئیل

فرود آمد و این بخش از سوره انسان را در شأن اهل بیت فرود آورد. ۱۰  
 این گونه فاطمه زهرا و همسر و دو فرزند و حتی خدمتگزارش الگوی کاملی برای ایثار  
 و از خودگذشتگی شدند که قرآن آن را برای مسلمانان نقل می‌کند، و البته در مقابل این  
 ایثار، آنان پاداش بزرگی از پروردگارشان دریافت کردند.  
 این بود نمونه‌ای از توصیف‌های قرآن نسبت به شخصیت فاطمه (س) و خانواده او.  
 لازم به ذکر است روایات در تفسیر و تأویل و تطبیق بر آن حضرت بسیار نقل شده، و در  
 اینجا ما در مقام بیان آنها نیستیم. هدف نشان دادن شخصیت قرآنی فاطمه (س) است که به  
 طور مختصر بیان گردید. ۱۱

## ۲. قرآن در منظر فاطمه زهرا (س)

یکی از ویژگی‌های معارف اهل بیت توجه و تأکید نسبت به قرآن است. در پرتو نگاه  
 به صدها روایت و سیره علمی و موضع‌گیری، در گفت و گوها و جدال با مخالفان به  
 خوبی آشکار می‌گردد که آنان قرآن کریم را محور هدایت و منبع اصلی رسالت می‌دانسته  
 و قرآن را مرجع دینی، علمی و فقهی و راه و روش علمی قرار می‌داده‌اند. مهم‌ترین فراز  
 این سخنان، در تعظیم و جلالت قرآن و کاربردهای آن در زندگی انسان است. فاطمه  
 زهرا (س) در نخستین خطبه‌ای که پس از فوت پدر و در دفاع از فدک در مسجد پیامبر  
 می‌خواند به این نکته یادآور می‌شود:

لله فيكم عهد قدمه اليكم و بقیة استخلفها عليكم؛ خدای را در بین شما عهد و  
 پیمانی است که پیش از این به شما گفته و یادگاری است که برای شما بر جای  
 مانده است.

آری، قرآن بازمانده پیامبر و عهد میان مردم و خداست لذا در جهت بیان منزلت و  
 ذکر ویژگی‌هایش چنین می‌گوید:

کتاب الله بیته بصائر و آی منکشفة سرائره؛ ۱۲ کتاب خدا کتابی است که  
 راهنمایی‌هایش آشکار و آیه‌هایش قابل فهم است.

در تعبیر دیگری از همین خطبه در آغاز به این نکته اشاره شده است که کتاب خدا  
 ناطق به حکم خداست، یعنی راهنمایی‌هایی که می‌کند با صراحت به مردم یادآور شده،

و از این جهت حجت برای تمام مردم است.<sup>۱۳</sup>

آن گاه آن حضرت ویژگی های قرآن را برمی شمارد و در نطقی که به جهت دفاع از ولایت می کند در مقام معرفی قرآن برمی آید و می فرماید:

۱. کتاب الله الناطق؛ قرآن کتاب خداست که ناطق است.

۲. و القرآن الصادق و النور الساطع؛ این قرآن، کتابی است راستگو، و نوری است درخشنده و فراگیر.

۳. و الضیاء اللامع؛ این کتاب روشنای تابنده و روشنی بخش جامعه است.

۴. بیّنة بصائره، منکشفة سرائره؛ راهنمایی هایش آشکار و اسرار آن قابل فهم است.

۵. منجلية ظواهره: ظاهر این قرآن کاملاً روشن است.<sup>۱۴</sup>

یعنی این قرآن هیچ باطل و خلاف حقیقت در آن نیست و نورش فراگیر و همه گیر است و به دیگران روشنایی می بخشد. حجت و براهین این کتاب به گونه ای است که همه کس می تواند استفاده ببرد و هر کس به اندازه فهم خود دریابد و قانع شود. از سوی دیگر اسرار نهفته ای در قرآن است که برای آنهایی که تدبیر می کنند و به دقت در اطراف قرآن واری می کنند قابل کشف و فهم است.

البته حضرت در این خطبه نکات دیگری نسبت به پیروی قرآن بیان می کند و می فرماید: این کتاب آن چنان با عظمت است که اگر کسی واقعاً پیرو قرآن باشد و به دستورات آن عمل نماید به آن درجه کمال و بزرگی می رسد که دیگران حسرت او را می خورند:

«مغتبطة به أشیاعه». پیروان قرآن به خاطر عمل به آن مورد حسادت دیگران واقع می شوند.

در ادامه همین سخن می فرماید:

«قائد الى الرضوان اثباعه، مودّ الى النجاة استماعه». پیروان خود را به رضوان الهی راهنمایی می کند و حتی شنیدن قرآن سبب نجات می گردد.

تعبیرهای دیگری نیز در برخی خطبه های حضرت در فضیلت قرآن آمده است که نشان می دهد فاطمه (س) با نگاهی عمیق به قرآن چشم دوخته که از آن جمله می فرماید:

«فيه تبيان حجج الله المنيرة». ۱۵. قرآن کریم بیانگر حجت های آشکار خداوند است. در این کتاب احکام حلال و حرام و فضائل تدوین یافته، کلمات کافی و

مباحات و شرایع نوشته شده و دلیل های آشکار می باشد .  
آن حضرت ، قرآن را سرچشمه معارف و احکام الهی می داند و اگر در سنت مطلبی بیان می گردد ، در تفسیر و تفصیل همان احکام قرآن است .  
«و عزائمہ المفسرۃ و محارمہ المحذرة» .<sup>۱۶</sup> به وسیله قرآن است که واجبات تفسیر شده و حرام های منع شده خدا دست یافته می شود .

تعبیرهای دیگری نیز وجود دارد که نگاه فاطمه زهرا(س) را درباره قرآن روشن می سازد و اهتمام و اعظام این کتاب آسمانی و هدیه الهی را در نظر ایشان آشکار می کند ، و از همه مهم تر که وجوه مکتب اهل بیت و نکات قابل توجه در توصیه های حضرت نسبت قرآن را نشان می دهد ، توجه دادن به قرآن برای فهمیدن و عمل کردن است . از منظر آن حضرت قرائت ، حفظ و فهم به تنهایی مدخلیت ندارد ، آنچه اصل و اساس تلبیس مسلمان به لباس دستورات قرآن است ، و لذا حضرت می فرماید : اگر فرد مسلمان پیرو قرآن باشد ، سعادت مند خواهد شد و به نجات رهنمون خواهد گردید .<sup>۱۷</sup>

### ۳ . سیره قرآنی فاطمه(س)

فاطمه زهرا(س) افزون بر توصیه ها و تعظیم و اهتمام به قرآن ، خود در مقام عمل و تجسم معارف و اخلاق ، شخصیت قرآنی بود . درباره پیامبر گرامی آمده است :  
«کان خلقه القرآن»<sup>۱۸</sup> اخلاق پیامبر ، اخلاق قرآن بود .  
درباره یکایک اهل بیت اوصافی آمده که نشان می دهد آنان نیز اخلاق قرآنی داشتند ، بلکه قرآن ناطق بودند .<sup>۱۹</sup> و در توجه به قرآن و اهتمام به قرائت چنان کوشیده اند که زبانزد دیگران واقع شده اند .

حضرت زهرا(س) از کودکی در خانه وحی با قرآن مأنوس بود . پدر که قرآن می خواند او می شنید و گوش جان به قرآن می سپرد تا جایی که می توان گفت کسی پس از پیامبر به اندازه فاطمه به قرآن نزدیک نبود . او پاره تن پیامبر بود و در منزل وحی زیست می کرد و آموزه های وحی را به طور مستقیم در اختیار می گرفت . چه شب هایی که پدر به شب زنده داری و قرائت قرآن مشغول بود و او که دختری خردسال بود ، صدای قرائت پدر را می شنید و با پدر همراهی می کرد .



دخت پیامبر پس از اینکه با علی (ع) ازدواج کرد، باز هم از پدر جدا نبود و همواره پدر را ملاقات می کرد و شاهد نزول وحی بر پیامبر بود و از خصوصیات آیات و نزول آن و تفسیر آن از پدر و شوهر می پرسید و فرا می گرفت، و آنچه مفسران سنی و شیعه درباره امام علی (ع) نقل کرده اند که آیتی نیست که نازل شده باشد و من ندانم که کجا و کی آمده، در شب نازل شده یا در روز، در دشت فرود آمد یا در کوهستان،<sup>۲۰</sup> درباره فاطمه (س) نیز صادق است و دست کم او از طریق امام علی (ع) آگاه می شده است.

بنابراین با توجه به شواهد تاریخی و اظهار نظر ائمه معصومان درباره علم فاطمه و مصحف فاطمه - که قرآن نبوده ولی علوم و معارف الهی تدوین شده است - فاطمه (س) نخستین کسی است که از نزدیک با پیامبر و قرآن و معارف وی در میان زنان آشنایی پیدا کرده است، از این رو در روایت رسیده است که:

فاطمة بحر النبوة؛<sup>۲۱</sup> فاطمه دریای نبوت است.

انس فاطمه (س) با قرآن چنان است که هنگام احتضار به شوهرش علی وصیت می کند پس از مرگ من تا می توانید برای من قرآن بخوانید، زیرا پس از آن هنگام که میت را در قبر می گذارند زمانی است که نیازمند انس با قرآن است، آن چنان که زندگان نیز چنین انسی دارند.<sup>۲۲</sup>

از نکات قابل تأکید، توصیه های فاطمه نسبت به قرآن است. آن حضرت شخصیت قرآنی بود، فرزندان خود حسن و حسین و زینب را تربیت قرآنی کرد، حتی خادمه خود فضه را با قرآن چنان مانوس کرده بود که در سال های آخر عمر خود جز با آیات قرآن سخن نمی گفت،<sup>۲۳</sup> و در خطبه ها و سخنرانی هایی که جنبه احتجاج داشت باز درباره قرآن سخن می گفت.

شیخ صدوق از زینب فرزندش نقل می کند که او در خطبه خود، درباره قرآن سخن گفت و مقام و موقعیت قرآن را شرح داد و ویژگی های آن را بازگو کرد.<sup>۲۴</sup> همه اینها نشان می دهد که رابطه ای قوی میان فاطمه (س) و قرآن وجود داشته است.

۱. این روایت از طرق گوناگون از ۲۲ صحابی پیامبر نقل شده است. برای توجه به اسناد و طرق آن ر. ک: کتاب الله و اهل

- الیهت فی حدیث الثقلین، از لجنه تحقیق مدرسه امام باقر(ع) که به اشرف آیت الله وحید خراسانی نگاشته شده است.
۲. مفاتیح الغیب، ۳۱۶/۱۱، جزء ۳۲.
  ۳. همان/۳۱۳؛ و نیشابوری، غرائب القرآن، ۵۷۶/۶؛ بقاعی، نظم الدرر فی تناسب الایات و السور، ۵۴۹/۸.
  ۴. ر. ک: سیوطی، الدر المنثور، ۲۳۰-۲۳۲؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۳۱۹/۱؛ تفسیر عیاشی، ۱۹۹/۱، ح ۵۴؛ تفسیر البرهان، ۴۴/۲.
  ۵. الدر المنثور، ۲۳۳/۲؛ روح المعانی، ۳۰۱/۱؛ زمخشری، کشاف، ۳۶۸/۱؛ مفاتیح الغیب، ۸۵/۸؛ شواهد التنزیل، ۱۱/۲، ح ۶۷۳.
  ۶. ر. ک: طبری، جامع البیان، ۹/۱۲؛ غرائب القرآن، ۴۶۰/۵؛ تفسیر القرآن العظیم، ۴۱۳/۳؛ ابوالفتح رازی، روض الجنان، ۴۲۱/۱۵؛ الدر المنثور، ۶۰۴-۶۰۷؛ مسند احمد، ۲۵۹/۳؛ الجامع الصحیح، ۳۵۴/۵؛ مستدرک الحاکم، ۵۸/۳؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ۳۲۴/۳.
  ۷. همان.
  ۸. همان.
  ۹. البته مباحث استدلالی ویژه‌ای در اثبات این نظریه صرف نظر از روایات مطرح است که این نوشته گنجایش آن را ندارد و برای اطلاع بیشتر به تفسیر مجمع البیان، ۷ و ۳۵۷/۸ و المیزان، ۳۱۱/۱۶، رجوع کنید.
  ۱۰. این خیر را در تفاسیر اهل سنت با تفاوت دسه روز و یک روز نقل کرده‌اند و شاید نقل دقیق‌تر و خالی‌تر از اشکال باشد. ر. ک: واحدی، تفسیر الوسیط، ۴۰۱/۴؛ کشاف، ۵۲۶/۴؛ و فخر رازی، مفاتیح الغیب، ۷۴۷/۱۰؛ همچنین قرطبی (م ۶۷۱)، الجامع لاحکام القرآن، ۶۹۲/۹، خیر مذکور را نقل می‌کند هر چند می‌گوید که صحیح آن است که این آیات برای همه نیکان نازل شده باشد.
  ۱۱. در این باره ر. ک: بحرانی، عوالم العلوم، مسند سیده فاطمه، ۱۰۷/۱، تحقیق محمد باقر ابطحی.
  ۱۲. همان.
  ۱۳. منتظری، آیت الله حسینعلی، شرح خطبه حضرت زهرا(س)/۱۰۳.
  ۱۴. عوالم العلوم، ۶۵۸/۲.
  ۱۵. همان/۹۱۰؛ علل الشرایع/۲۴۸.
  ۱۶. شرح خطبه حضرت فاطمه زهرا(س)/۱۰۷.
  ۱۷. عوالم، ۶۵۹/۲.
  ۱۸. بیهقی، دلائل النبوة، ۳۰۹/۱، باب ذکر شمانله و أخلاقه.
  ۱۹. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۵.
  ۲۰. سیوطی، الاتقان، ۴۱۲/۱.
  ۲۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ۳۶۵/۳.
  ۲۲. مصباح الانوار/۲۵۷، به نقل از العترة و القرآن/۵۰.
  ۲۳. بحار الانوار، ۸۶/۴۳.
  ۲۴. علل الشرایع/۲۴۸.